

رسالة الروح من الروح





ره‌نما

توانایی بخشیدن به دانشجویان برای طراحی در یک بافت روستایی: دانشجوی موظف است تا عوامل مختلف طبیعی و انسانی که در شکل‌گیری معماری روستایی موثرند را در طرح خود رعایت نموده و به طرح فضای قابل سکونت و زندگی روستاییان دست یابد.

هدف؟
ضرورت طرح
مسئله؟
مدرسک: مهرسک صوفی

اهمیت و جایگاه روستاییان در مناطق روستایی در تولیدات محصولات کشور، حفظ و نگهداری از پهنه سرزمین و دهها ضرورت دیگر جهت حفظ و تداوم روستا نیازمند است.

فرهنگ روستایه

زندگی روستایی و نوع نگرش روستائیان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش آنها برای ساخت و تولید و شیوه های بهره وری باعث می شود تا اجزاء محیط مطلوب تری و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه ای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارایی شکل گیرد. این نوع نگرش خاص را فرهنگ آنان می نامند، پس لازم می باشد این مبحث به طور کامل باز گردد تا ابهامی باقی نماند.



امروزه از کاربرد واژه «فرهنگ» در نوشته‌ها و گفته‌های مردم معانی، مفاهیم و تعبیر متعدد و اغلب گوناگونی استنباط می‌شود. در این بین عناصر آداب و سنن، میراث‌های غیرمادی، ذخایر معنوی، خلیقات اجتماعی، شیوه‌های رفتاری و آثار فکری و ادبی و هنری و تربیتی اغلب به عنوان عوامل تشکیل دهنده یک مجموعه به نام «فرهنگ» نام برده می‌شود.

ظاهراً، آنچه موجبات بروز این تنوع در تبیین مفهوم و معانی کلمه «فرهنگ» را فراهم آورده است مرتبط به گوناگونی زوایا و دیدگاه‌هایی است که «فرهنگ» از آن مواضع مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. با وجود این، اصل ابداع و استقرار و اشاعه آن توسط انسان، تغییر و تحول آن در جامعه، انتقال مکتوب و یا سینه به سینه آن از یک نسل به نسل دیگر، تأثیرپذیری و قدرت نفوذ یا تأثیرگذاری آن و سرانجام ظرفیت و استعداد بالقوه آن به تکامل و انحطاط و لذا مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت برخی از عناصر آن به عنوان یک مجموعه، تقریباً مورد قبول عامه صاحب نظران است.

در تعریف فرهنگ ساموئل کینگ به نقل از اسپنسر فرهنگ را به عنوان محیط «مافوق جسمانی» و محیطی خاص انسان می‌داند تا آن را از جهان حیوانات و نباتات متمایز نماید. در همین زمینه دوروبرتی نیز فرهنگ را به منزله افکار و دانستی‌های اعم از نظری و عمل خاص انسان می‌داند. «گراهام والاس» فرهنگ را توده‌ای از افکار و خصایل و اشیاء می‌داند که به عنوان یک میراث اجتماعی در پرتو دانش از نسل‌های پیشین به ما رسیده است، تعریف می‌کند. مالدینوسکی از فرهنگ به عنوان «مجموعه مخلوقات انسان» نام می‌برد و ادوارد تایلر آن را عبارت از «مجموعه دانش و افکار و آراء و اخلاق و قوانین و مقررات و سایر استعدادها، عاداتی که انسان به عنوان عضو یک جامعه کسب کرده است»، بیان می‌دارد.



واژه «فرهنگ» در اغلب متون کهن زبان فارسی به معنای «علم، آموزش، ادب آموزی و پرورش» معادل واژه Education آمده و مورد استفاده وسیع واقع شده است. علامه دهخدا واژه «فرهنگ» را معادل «فرهنگ» و آن را به مفاهیم «علم، فضل، دانش و عقل و ادب» آورده است و استاد معین فرهنگ را به معانی «ادب، تربیت، دانش و علم و معرفت» ذکر می کند و در عین حال آن را «مجموعه آداب و رسوم و نیز مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم» قلمداد می کند.

واژه لاتین فرهنگ Culture به معنای «عملیات زراعی کشت و کار و پرورش گیاه» است. آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی معنی لغوی Culture را «مراقبت از گیاهان» ذکر می کند و معنای مجازی آن را مراقبت از اندیشه می داند و شرح می دهد که «فرهنگ عبارت است از آنچه در یک جامعه معین کسب می کنیم، می آموزیم و می توانیم انتقال دهیم و بدین ترتیب، در فرهنگ مجموع حیات اجتماعی از زیربنای فنی و سازمان های نهادی گرفته تا اشکال و صور بیان حیات روانی مورد نظر قرار می گیرند و تمامی آنان همچون یک نظم ارزشی تلقی می شوند که به گروه، نوعی کیفیت و تعالی انسانی می بخشند».





بدین سبب، قبل از ورود به مباحث نظری و عملی ترویج روستایی، لازم است دانسته شود که این مبحث زمینه ساز پذیرش و یا رد هر جزء از یک برنامه تحولاتی در جوامع روستایی و از جمله برنامه ترویج روستایی - یعنی فرهنگ - چه تعریف و معنایی دارد. این شناخت، برنامه ریزان و روشنگران برنامه های تحولاتی را قادر می سازد که در برنامه های توسعه به زعم آنان مطلوب، برای جوامع روستایی راهی را بپیمایند که متضمن مطلوبیتی مشابه برای روستاییان ارباب رجوع برنامه باشد و اگر به هر دلیل، در جهت تعدیل و تطبیق و تعالی فرهنگ سنتی آن جوامع نتوانست مناسب و مؤثر باشد، عملاً و به طور ناآگاهانه با معرفی و اعمال عناصر و اجزای نامتناسب دیگر فرهنگ ها بر پیکره نظام فرهنگی، سنتی اصیل روستاییان، حداقل در جهت تخریب آن فرهنگ سنتی نیز عمل نکند. از این جهت، به منظور کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی کامل تر از عصاره معانی و مفاهیم واژه «فرهنگ»، بحث تعریف و توصیف آن بازمی دنبال می شود.





هدف از ارائه تعریف و توصیف فرهنگ در بحث مربوط به عمران و توسعه به عنوان مبنائی برای ترویج روستایی، به مناسبت نقش و اهمیت والایی است که فرهنگ جامعه بر نحوه نگرش و تلقی و برخورد مردم در فرآیند فراگیری و فرادهی و پذیرش پدیده‌های نوین، به ویژه در جوامع روستایی دارد. به عنوان نمونه، هرگاه بنیان فکری و رفتاری اعضای یک جامعه برخی ویژگی‌ها، مانند ارزشمندی دانش و مهارت، خلاقیت و ابتکار، پیشاهنگی و پیشروی در آزمایش و پذیرش پدیده‌های نوین و یا برخی از ویژگی‌های مرتبط به توسعه و عمران مانند رهبری اجتماعی، اصول حمیت‌های حرفه‌ای و همیاری و خودیاری و مشارکت را به عنوان ودیعه یا میراث‌های ازلی از پیشینیان در بستر فرهنگ جامعه خود مستتر داشته باشد، آنگاه می‌توان از اعضای پرورده آن فرهنگ در آن جامعه توقع داشت تا به سهولت استعدادهای بنیادی خود را از قوه به فعل مبدل سازند و در پرتو تجلیات آن، با استفاده از آموزش‌های نوین روز به روز فرهنگ کهن سنتی و غنی خود را غنی‌تر سازند، که این هم مستلزم مطالعه و پژوهش به منظور تعدیل و تطبیق در فرآیند تکامل و تعالی فرهنگ سنتی است.

تحول یا دگرگونی مقدمه و زمینه ساز توسعه و عمران است. هرگونه تحول و دگرگونی در جریان توسعه و عمران و به ویژه در فرآیند آموزش و ترویج در هر جامعه، منبعث و یا متأثر از بنیان‌های فکری و رفتاری مستتر در بستر فرهنگی اعضای آن جامعه است و لذا توسعه و عمران مستلزم شناخت و پرورش در ماهیت فرهنگ حاکم بر جامعه است.



آنچه در این بحث مورد توجه است، شناخت ریشه الگوهای موجود فرهنگی و کوشش در تحول و تکامل آن در طول زمان است. این می‌تواند از طریق تدوین و اجرای سیاست‌ها و اصول آموزشی به عنوان مکمل فرهنگ رایج تحقق یابد، که این نیز به نوبه خود مقدماتاً مستلزم شناخت آن است.

ورجاوند می‌نویسد که «از راه بررسی و شناسایی فرهنگی یک ملت است که قادر خواهیم بود به نحوه پیدایش و دگرگونی‌ها و تحولات مربوط به نهادها و سازمان‌های جامعه، نوع معیشت و نحوه تولید و میزان قدرت آفرینش فنی و صنعتی آن مردم پی ببریم» و به دنبال آن می‌افزاید که «به برکت بررسی و پژوهشی در فرهنگ یک ملت است که قادر خواهیم بود از ریشه چگونگی پیدایش و سبب پایداری آداب و رسوم، ارزش‌ها و اعتبارها، باورها و اعتقادات و دانش‌ها و هنرهای آن آگاهی‌های لازم را کسب و سرانجام از چگونگی و میزان تأثیرپذیری آن از دیگر فرهنگ‌ها و تأثیرگذاری آن بر دیگر فرهنگ‌ها با اطلاع شویم». زیرا فرهنگ هر مردمی میراث اجتماعی مردم آن اجتماع است و اگر قرار باشد خدمتی به آن مردم عرضه شود، می‌باید به هویت و ماهیت فرهنگی آن جامعه علم و اشراف داشت.

ورود به فرهنگ سنتی و غالب بر خانواده‌ها روستایی از طریق ایجاد تحول در کدبانوی خانه، به خودی خود یکی از مؤثرترین روش‌ها به منظور ایجاد تحول در سایر اعضای خانواده و حتی در همسر وی است. بحث و تبادل نظر در این قبیل موضوعات و و مضامین فرهنگی و تعلیم اصول مربوط با استفاده از روش‌های غیر کلاسیک، موجبات تحول تدریجی در نگرش‌ها و تطور در روش‌های متداول برای انجام امور را فراهم سازد و این‌ها جملگی مقدمات نیل به مرتبه تکامل است.

آغاز و انجام این سلسله فعالیت‌های فرهنگی مستلزم بهره‌مندی جامعه از یک سیاست فرهنگی پایدار است که به ساده‌ترین روش مکتوب در اختیار روشنگران روستا قرار می‌گیرد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شاید به‌عنوان مناسب‌ترین ارگان رسمی دولت بتواند مبدع این سیاست فرهنگی پایدار، خاص مناطق روستایی باشد و در این صورت است که می‌تواند از طریق اعزام روشنگران آموزش دیده‌ای که از بین خواهران داوطلب بدین منظور پرورش می‌دهد، بانی تحولات فرهنگی برنامه‌ریزی شده در جوامع روستایی باشد.

ویژگی های جمعیت روستایی

کوچکترین واحد جغرافیایی در ایران که با عناوین روستا، ده، آبادی و یا احتمالاً اصطلاحات دیگری نامیده می شود، جزئی از زیستگاه های انسانی به شمار می رود.

جمعیت مهمترین عامل انسانی در شکل گیری روستاها و همچنین توزیع و تراکم و معیشت و توسعه آنهاست. جامعه روستایی در حدود نیمی از جمعیت کشور را در بر می گیرد که در بیش از ۹۵ درصد از مساحت کشور پراکنده هستند. بنابراین برای آگاهی از چگونگی وضعیت روستاها که اصولاً به منظور توسعه همه جانبه کشور مطرح می گردد، مطالعه جمعیت ضروری به نظر می رسد.

وجوه تمایز روستا از شهر در

روند تاریخے آن



اولین سرشماری در سال ۱۳۳۵ در کشور انجام شد. از اولین سرشماری به بعد شد که لازم است تمایز خاصی بین شهر و روستا و تعداد جمعیت قائل گردند. از جمله عواملی که برای تشخیص شهر از روستا ارائه شد می توان به دیدگاه های سورکین و زهیرمن اشاره کرد که تا حدود زیادی مورد قبول است. این عوامل شامل:

۱- محیط جغرافیایی، زیستگاهی که ساخت و سازهای انسانی در آن محدود باشد و یک محیط طبیعی مانند مراتع جنگل ها و غیره روستا نامیده می شود.

۲- وسعت محدوده استقرارگاه، شهر سطح بیشتری را دربر می گیرد تا روستا.

۳- اشتغال، در روستا اصولاً اشتغال غالب کشاورزی و اکثر روستاییان از این طریق امرار معاش می کنند در صورتی که اهالی شهرها بیشتر به مشاغل صنعتی و خدماتی می پردازند.

۴- تراکم، در شهر جمعیت زیادی در محدوده کوچی ساکن هستند اما در روستا جمعیت کمی در محدوده نسبتاً وسیعی زندگی می کنند و به طور کلی تراکم نسبی در شهرها زیاد و در روستاها کم است.

۵- تجامن، جمعیت روستا بر خلاف جمعیت شهر از نوعی مشابهت اخلاقی و رفتاری خاص برخوردار است. در شکل معیشت، میزان درآمد، مذهب، فرهنگ و سایر ویژگی های رفتاری اجتماعی مشاهده نمود.

۶- طبقات اجتماعی، برخلاف جامعه روستایی را می توان یک جامعه بدون طبقه نامید. در روستا اختلاف بین گروه ها از لحاظ اقتصادی بسیار کم است.

۷- تحرک جامعه روستایی از لحاظ فضایی و اجتماعی دارای تحرک کمترین نسبت به جامعه شهری می باشد.

۸- سیستم آثار متقابل، روستاییان عموماً کمتر از ساکنان شهرها با دیگران ارتباط دارند ولی این ارتباط در روستاییان عمیق تر از شهرها می باشد.



آمار نشان می‌دهد که جمعیت روستایی کشور طی دهه‌های گذشته نسبت به کل جمعیت از رشد کمتری برخوردار بوده، در نتیجه نسبت به روستانشینی سیر نزولی پیموده است. قسمت زیادی از جمعیت روستاها به شهرک‌های بزرگی مربوط بوده که در اطراف شهرها شکل گرفته و توسعه یافته است.

رشد جمعیت به طور طبیعی نتیجه حرکات زایشی جمعیت می‌باشد. میزان ولادت، باروری و مرگ و میر از مباحث عمده جغرافیایی جمعیت روستایی هستند.

بررسی تغییرات جمعیت شهری و روستایی طی دوره های مختلف سرشماری



طبق بررسی های انجام شده رشد جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستا بسیار بیشتر است، علت عمده فزونی بافت جمعیت شهری بر جمعیت روستایی را در سه مورد می توان بررسی کرد:

۱- تبدیل شدن تعداد زیادی از روستاها به شهر که این تبدیل صرفاً براساس عدد جمعیت صورت می گیرد و برخی از مناطق تبدیل شده اگرچه هنوز روستا هستند، در تقسیمات کشور جزء شهرها محسوب می گردد.

۲- در رشد و توسعه فیزیکی شهرها تعداد قابل توجهی روستا در دامنه توسعه قرار گرفته، جز محلات شهرها در می آیند، که قطعاً در این صورت دیگر از هویت حقیقی روستا اثری باقی نمی ماند. ضمن اینکه جمعیت این قبیل روستاها جزء جمعیت شهر گسترش یافته محاسبه می شود.

۳- مهاجرت ساکنان روستاها به شهرها عامل اصلی فزونی جمعیت بر جمعیت روستایی است.

ترکیب جمعیت روستایی

ساختار جمعیت روستایی از مباحث مهم جغرافیایی جمعیت روستایی می باشد. برای شناخت دقیق ترکیب جمعیت روستایی دو ویژگی جنسی و سنی جمعیت مورد بررسی قرار می گیرد.

- ترکیب جنسی: در طول سال‌های سرشماری با توجه به شرایط اجتماعی و عوامل داخلی و خارجی نسبت جنسی در ایران تغییراتی را نشان می دهد، در گروه‌های سنی خاصی اختلاف زیادی را بین نسبت جنسی شهرنشینان و روستائینان نمایان می سازد. یکی از مهمترین عوامل این تغییرات در گروه‌های سنی خاصی اختلاف زیادی را بین نسبت جنسی شهرنشینان و روستائینان نمایان می سازد. یکی از مهمترین عوامل این تغییرات در گروه‌های سنی به شکل خاص می تواند مهاجرت‌های مردان روستایی به شهرها باشد. داشتن فرزند پسر در روستا مهم است به این دلیل که پسر در جامعه روستایی یک سرمایه تلقی می شود و هر چه تعداد فرزند پسر بیشتر باشد به وجه اجتماعی و توان اقتصادی خانواده افزوده می شود. در گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ تا ۵۰-۴۵ برتری نسبت جنسی، در جمعیت شهری به چشم می خورد و این افزایش تعداد زن‌ها بر مردها در جامعه روستایی که دلیل آن مهاجرت مردان مجرد به شهرها و احتمالاً بازنگشتن مردها می باشد.

- ترکیب سنی: ساختمان سنی در تجزیه و تحلیل فعالیت‌های اقتصادی، آینده نگری جمعیت و برنامه‌ریزی‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. تفاوت جمعیت روستاهای ایران، با شهرها از لحاظ سنی در این است که در روستاها تعداد کودکان و سالخوردگان بیشتر و تعداد میانسالان کمتر از شهرهاست.



معماری و ساختار خانواده



فرد روستایی کاملاً مطیع منزلت‌های اجتماعی است و منزلت فرد بستگی به خانواده دارد. به عبارت دیگر، شخصیت وی از شخصیت خانواده نشأت می‌گیرد و موقعیت اجتماعی او بستگی مستقیم با موقعیت اجتماعی خانواده دارد، بدین ترتیب که فرد در خانواده‌های پدر سالار جوامع روستایی مطرح نیست و شخصیت فرد در خانواده محو می‌شود. به همین علت و به مناسبت حضور خانواده بر فرد، فرزند به زودی راه و رسم زندگی را از خانواده خود کسب می‌کند و زندگی آتی خود را همانند پیشینیان خود پی‌ریزی می‌کند.

ویژگی های دموگرافیک خانواده روستایی در ایران

در این جا به برخی از ویژگی های خانواده روستایی اشاره می کنیم.

الف) ازدواج

تأهل در خانواده روستایی بیشتر صورت می گیرد تا در خانواده شهری. در روستا تقریباً همه افراد ازدواج می کنند. به عبارت دیگر، می توان گفت که ازدواج در روستا عمومیت دارد. به طور کلی می توان دلایل عمومیت ازدواج در روستا را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. خانواده پدری توسعه یافته، جوانان را تشویق و یا حتی وادار به ازدواج می کند.
۲. کار تولیدی کشاورزی، مرد را نیازمند داشتن همسر می کند، زیرا در کشاورزی سنتی هنوز هم زن نیروی کار و عامل مؤثر در تولید محسوب می شود.
۳. قید و بندهای اجتماعی و عرف باعث گرایش جوانان به ازدواج می شود.
۴. اعتقادات دینی در ازدواج نقش مهمی دارد. دین مشوق ازدواج است، به خانواده ارج فراوان می نهد و آوردن و تربیت فرزند را یکی از وظایف آدمیان می داند.

ب) بعد خانوار در روستا

بعد خانوار روستایی معمولاً بزرگ تر از شهری است و همین امر دلالت بر وجود خانواده گسترده و تعداد فرزندان زیاد دارد.

خانواده در جامعه روستایی ایران نه فقط محل انس و الفت زناشویی، کانون پرورش کودک و مرکز انتقال بسیاری از میراث‌های فرهنگی، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و عادات و رسوم و سنت‌های روستایی است؛ بلکه در عین حال یک نهاد اقتصادی به شمار می‌رود که بخش عمده‌ای از نیازمندی‌های اساسی زندگی خانواده را از طریق تولید تأمین می‌کند.

«خانواده روستایی هسته اصلی جامعه روستایی را تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد که طبیعت خانواده‌های روستایی، مهم‌ترین عامل تشکیل دهنده خصیصه بارز گروه‌های روستایی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی است و این امر تصویر کلی گروه‌های روستایی سراسر دنیا را به دست می‌دهد.»

می‌توان گفت که خانواده روستایی، به طور عمده گروهی است مرکب از زن و مرد و تعدادی فرزند که در ده سکونت دارند و از طریق اشتغال در یک یا چند رشته از فعالیت‌های زراعی، باغداری، دامداری، صنایع دستی و یا فعالیت‌های دیگری نظیر: کارگری (اعم از زراعی و غیر زراعی)، چوپانی، چوب‌داری، پيله‌وری، پیشه‌وری و کارهای مشابه آن زندگی‌شان را تأمین می‌کنند. این تعریف مبین کارکرد اقتصادی خانواده روستایی است و در عین حال نشان می‌دهد که خانواده روستایی از لحاظ نوع کارکرد اقتصادی بسیار متنوع است.

موجودیت خانواده گسترده و فزونی نسبی آن در پاره ای جوامع روستایی و در میان برخی از قشرهای اجتماعی روستانشین با عوامل چندی ارتباط دارد که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. عامل اقتصادی

در پاره ای از مناطق روستایی و در میان برخی از قشرهای اجتماعی روستانشین که فعالیت‌های اقتصادی خانواده تنوع بیشتری دارد و یا در مناطقی که اقتصاد برنج حاکم است، خانواده غالباً در امور تولیدی به نیروی کار انسانی بیشتری نیاز دارد، در نتیجه تعدادی خانواده از نوع گسترده است که افراد زیادی را در بر می‌گیرد و گاهی حتی چهار نسل در کنار هم و زیر یک سقف زندگی می‌کنند و از منبع در آمد مشترکی تأمین معاش می‌کنند. مسئله قابل توجهی که در این زمینه مطرح می‌شود، وجود وابستگی اقتصادی است.

در این قبیل خانواده‌ها، اعضا از نظر اقتصادی متکی به خانواده‌ها هستند و همگی زیر نظر رئیس خانواده به منظور حفظ و توسعه بهره برداری خانوادگی مشترکاً فعالیت دارند. زمین، مهم ترین عامل تولید، متعلق به رئیس خانواده یعنی پدر اصلی است که صاحب قدرت می‌باشد و کار برخلاف میل و اراده او انجام نمی‌گیرد. او تمام درآمدهای خانواده را در اختیار دارد و تمام هزینه‌های زندگی خانواده را تأمین می‌کند. زیر نظر او هر کس به قدر توانایش کار می‌کند و به اندازه احتیاجش در حد توانایی مالی خانواده به او داده می‌شود.

اعضای خانواده اغلب کارکنان خانوادگی بدون مزد به شمار می‌روند. قدرت رئیس خانواده در پاره ای موارد به حدی است که فرزندان حتی اگر در خارج از خانواده کار کنند، دستمزدهای دریافتی خود را در اختیار پدر قرار می‌دهند و در موقع نیاز به او مراجعه می‌کنند.

۲. عامل فرهنگی

کمبود و دشواری راه‌های ارتباطی، دور بودن از شهرها و بالاخره انزوای فرهنگی برای پاره‌ای جوامع روستایی سبب شده است که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی محفوظ بماند. در این جوامع بر اثر وجود سنت اطاعت و فرمان برداری کهنتران از مهتران و در نتیجه سازگاری روانی افراد، امکان زیست چند سال در کنار هم و زیر یک سقف میسر شود. می‌توان گفت در این قبیل جوامع وجود خانواده گسترده با عامل فرهنگی نیز ارتباط دارد.

۳. عامل هم‌گرایی

در برخی جوامع روستایی و همچنین در میان پاره‌ای از گروه‌های اجتماعی، قطع نظر از عوامل اقتصادی و فرهنگی، عامل هم‌گرایی، عصبیت خویشاوندی و مذهبی نیز می‌تواند در موجودیت خانواده گسترده مؤثر باشد. در میان ترک‌ها و کردها هم‌گرایی خویشاوندی به نسبت شدیدتر از دیگر گروه‌هاست، شاید همین عامل در موجودیت خانواده گسترده و بالا بودن نسبی میزان آن در آذربایجان و کردستان تأثیر داشته باشد.

بعد خانواده روستایی

یکی از مهم ترین کارکردهای خانواده روستایی سنتی تولید خانوادگی است. محصول تولیدی خواه برای فروش و خواه به منظور مصرف داخلی خانواده، مستلزم فعالیت و کار مشترک همه اعضای خانواده است. خانواده روستایی سنتی به طور عمده نیروی کار مورد نیاز تولیدات خانگی را از داخل تأمین می کند. عضو خانواده به عنوان نیروی کار دارای ارزش است، هر چه نیروی کار بیشتر باشد، خانواده ارزش اجتماعی بیشتری در جامعه احراز می کند. ضرب المانند معروفی است که می گویند: «قربان دست بسیار، هم در خوردن، هم در کار».

هر یک از اعضای خانواده به اندازه توانش در امر تولید فعالیت دارد و به اندازه نیازش استفاده می کند، بدین ترتیب وسعت ابعاد خانواده روستایی سنتی را می توان به مثابه گونه ای ارزش اجتماعی در نظر گرفت، چنان چه هنگامی که خواسته اند ارزش پایگاه اجتماعی والای فردی را نشان دهند می گویند: «مردی بود بسیار مال، با تجربت و کبر سن،... فرزندان بسیار داشت، همه کمر خدمت به میان



بنابراین فرزند به ویژه پسر در خانواده دارای ارزش اجتماعی است و تا زمانی که خانواده روستایی به علت ضعف تکنولوژی به نیروی کار اعضایش متکی باشد، بعد خانواده وسیع است و افراد زیادی را در بر می گیرد. بررسی های انجام شده در زمینه مسائل اجتماعی - اقتصادی پاره ای از مناطق روستایی ایران این واقعیت را تأیید می کند.

بعد خانواده در میان قشرهای مختلف اجتماعی جامعه روستایی بر حسب پایگاه اجتماعی خانواده، میزان زمین، میزان درآمد خانواده و نیز در میان گروه های مختلف ایلی، طایفه ای و مذهبی فرق می کند.